

مجموعه کتاب / دایرةالمعارف دستبافته داری استان کرمان / جلد دوم

دایرةالمعارف دستبافته
عشایری و روستایی مناطق
بردسیر و شهر بابک
(با تأکید بر طرح و نقش)

عقيل سيستاني



پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری - اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان - ۱۳۹۷



سرشناسه	:	سیستانی، عقیل، ۱۳۶۳
عنوان و نام پدیدآور	:	دایرةالمعارف دستبافته داری استان کرمان - جلد دوم (مجموعه ۸ جلدی) / عقیل سیستانی
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری / اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	:	۳۱۰ ص، مصور (رنگی) / ۲۱ × ۲۹ س.م.
شابک	:	دوره: ۹۷۸۰۶۰۰۰۸۴۱۲۰۶۷۰۰؛ ج ۱: ۹۷۸۰۶۰۰۰۸۴۱۲۰۶۸۰۷؛ ج ۲: ۹۷۸۰۶۰۰۰۸۴۱۲۰۶۹۰۴؛ ج ۳: ۹۷۸۰۶۰۰۰۸۴۱۲۰۷۰۰۰؛ ج ۴: ۹۷۸۰۶۰۰۰۸۹۷۷۰۶۱۰۲؛ ج ۵: ۹۷۸۰۶۰۰۰۸۹۷۷۰۶۲۰۹ و ...
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	دستبافی، قالی و قالی باقی، گلیم، ایران، کرمان (استان)
موضوع	:	ایلات و عشایر، ایران، کرمان (استان)، صنایع
زده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ۹۵۲/س/۳۸۴۸/۳
زده‌بندی دیوپی	:	۷۴۶/۱۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۷۷۵۸۲۵



مرکز معرفی فرهنگی

دایرةالمعارف دستبافته داری استان کرمان - جلد دوم:

دایرةالمعارف دستبافته عشایری و روستایی مناطق بردسیر و شهربابک (با تأکید بر طرح و نقش)

تألیف و تصنیف: عقیل سیستانی

ناظر پروژه: نادره میزانی

عکس: عقیل سیستانی

ویراستار: بهرام فرهمندیور

طرح جلد و یونیفرم صفحه‌آرایی: حامد کریمی افشار

همکاران پژوهشی: مهلا میزانی و مریم زارع [در بخشی از پروژه]

راهنمایان تحقیق میدانی: چراغعلی حاج‌ابراهیمی و عبدالعلی عسکری‌فر

ویرایش تصاویر: زهرا خدانی

چاپ و صحافی: تندیس نقره‌ای [تهران]

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۷

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری - اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی

و گردشگری استان کرمان

نشانی ناشر: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی‌تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

دورنگار: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۴۵۲-۶۰

رایانامه: publish@richt.ir

تارنما: www.richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir

«تمام حقوق چاپ برای اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان

و ناشر، محفوظ است.»

فرهنگ ایرانی، مانا و پایدار است و آن، سه ویژگی - انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و هویت ملی - عمده دارد که - علی‌رغم تنوع و تکرر موجود در جامعه امروزی - به انسجام ملی کمک نموده؛ در نتیجه، آشنایی با فرهنگ گسترده سرزمین‌مان، تنها راه شناخت هویت ماست که عزت ملی به‌همراه دارد: عزت ملی، جامعه را از گسیختگی فرهنگی بازمی‌دارد و انسجام و قدرت به آن می‌بخشد.

در رابطه با موارد ذکر شده، فعالیت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی نیز حسب تکلیف تعیین شده، متمرکز شده است؛ زیرا عظمت فرهنگ و تمدن ایران به اندازه‌ای است که برای شناخت دقیق و درست آن، در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز باید غور و تأمل نمود.

با نگرشی سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق بخشیدن و فراهم‌ساختن بستر مطلوب جهت ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مناسب و قدرت‌بخشیدن و پررنگ‌ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای ازیادرفته و - در ادامه - تحقق ششمین وظیفه برشمرده از سوی پژوهشگاه، گام مؤثر آن است که گزیده تحقیق به‌عمل‌آمده در هر پژوهش‌شده - به‌ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسه تحقیقی و آموزشی هم‌تراز بین‌المللی است - به نشر درآید تا ماحصلش طریقه‌ای باشد برای کاربردی کردن دانش، به منظور رفع نیاز جامعه، به‌خصوص تحقق برنامه‌های راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران؛ در نتیجه، باید اذعان داشت که: پژوهش‌عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و - به بیان ساده - اصل حاکم بر جوامع قرن بیست‌ویکم است؛ پس برای ایجاد برآیند حاصل از نتیجه و تحلیل یافته مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته و دانش مرتبط با آن و مستند مربوطه عامل مؤثری است جهت شناخت وضعیت حاضر و ابزاری است برای بهینه‌ساختن برنامه در دست‌اجرا و راهنمای نسل آینده، در جهت شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران.

به‌علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عامل تأثیرگذار بر آن، حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن، نخستین گام است؛ در نتیجه، پژوهشگاه بر آن است که با همکاری پژوهشگران و استادان از جمله آقای عقیل سیستانی، پژوهشگر فرهیخته‌ی فرش و گلیم استان کرمان، این رسالت را به سرانجام رساند تا به سهم خود، گام مؤثری در این راه برداشته باشد.

سید محمد بهشتی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

صنایع دستی؛ ماحصل نیاز بشر است. انسان از آغاز پیدایی، ناگزیر شد، برای بقای خویش، تن‌پوش، جان‌پناه، ملزومات زندگی و ابزار بسازد تا خود را در برابر حوادث طبیعی و گزند حیوانات وحشی محفوظ دارد. این روند - در گذر زمان - رشد، گسترش و تنوع یافت؛ به عبارتی، خصیصه اصلی آثار صنایع دستی و هنرهای سنتی - مانند گلیم و قالی - منحصرأ سودمندی و ضرورت زندگانی موجد آنهاست که سیر تکاملی را طی کرده‌اند.

هویداست که سبب این همه جلوه‌گری گوناگون هنر مشرق‌زمین (به‌خصوص ایران‌زمین)، تمدن‌های کهن، پهناوری سرزمین، اختلاف محیط و به‌ویژه تنوع قوم و اندیشه مربوط به درک زیبایی و دوام و تبحر قابل‌ملاحظه هنرمندان مشرق‌زمین بوده و در نتیجه سبب بروز تعددهنر و محصول شده است؛ به عبارتی، رشته‌های مختلف هنرهای سنتی، هنرهای زیبا و صنایع دستی کشورمان، تجلی ذوق، استعداد، اعتقاد، آداب و رسوم هنرمندان این اقلیم می‌باشند. قالی‌بافی و گلیم‌بافی، اصیل‌ترین هنرهای سنتی و صنایع دستی ایران و استان کرمان و مناطق بردسیر و شهرابابک، مفهومی‌ترین و کاربردی‌ترین هنر در دنیا و کشور ماست. این هنر در میان دختران و زنان ایلات و روستانشینان مرسوم است. آنان آرزو، آمال و تمغا را با اشکال ساده/ استیلیزه‌شده در نقش و نگاره عامیانه و کاربردی با عشق و علاقه بافته‌اند؛ این هنر همواره در مقامی والا و ارزشمند قرار دارد.

سابقه و پیشینه هنر بافندگی کرمان به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. براساس یافته‌های باستان‌شناسی؛ از هزاره پنجم پیش از میلاد، در مناطق تلبلیس بردسیر - و سیلک کاشان، شوش و... - آثاری از پارچه‌بافی و چرخ‌نخ‌ریسی گلی دیده شده است. امروزه نمونه‌های بسیارنحیفی از دستیافته استان کرمان و مناطق بردسیر و شهرابابک در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شوند، اگرچه اغلب این نمونه‌ها، بدون مستندنگاری‌شدن، به‌مرور از کشور خارج شده‌اند! هنر بافندگی مناطق مورد اشاره، با آن پیشینه و زیبایی و ارزش، تاکنون آن‌چنان که شایسته بوده، گامی برای معرفی و احیا و رونقش برنداشته‌اند. با ثبت و مستند نگاری و انتشار این هنر ارزشمند، به تناسب توجه و حمایت ملی به چنین هنری، بیش‌ازپیش ضرورت معرفی، نگهداری و ترویج این هنر ارزشمند را در پی خواهد داشت.

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد؛ صنایع دستی، حاصل ذوق، حس زیبایی‌شناختی و جلوه تلاش هنرمندان، دیدگاه‌ها، اعتقادات و باورهاست که به‌مرور این تلاش، در طی قرن‌ها به‌عنوان میراث هنری شکل می‌گیرد و حائز اهمیت است که چنین میراثی شناخته شود و ابعاد گوناگون هنری، تاریخی، فلسفی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ بر همین اساس، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان در چارچوب رسالتی که در پژوهش، نشر، ترویج و حمایت از هنر، صنایع دستی و هنرهای سنتی دارد، در چندسال اخیر سعی کرده تاریخ و فرهنگ و هنر گران‌بهای این مرزوبوم را از طریق پژوهش و انتشار تحقیق علمی، به‌طور شایسته، معرفی نماید و الحق با انتشار مجموعه آثاری در حوزه‌های گوناگون صنایع دستی بر پاسخگویی به نیاز علاقه‌مندان، هنرمندان و متخصصان در این زمینه کرده است.

ناگفته نماند که؛ تاریخ فرش‌بافی استان کرمان و مناطق بردسیر و شهرابابک خلأ بسیاری دارد و در حال حاضر نیز کماکان با فقدان شواهدی در این زمینه، به شکل مدارک تاریخی مستدل، مواجه است؛ به این دلیل که دستیافته و منسوجات عمرشان بسیار کوتاه‌تر از سایر مصنوعات هنری دست‌ساز دیگر است. با این تفاسیر، بسیار ارزشمند بود که اگر مدارک، اسناد و دستیافته استان کرمان، مناطق بردسیر و شهرابابک یا به‌طور کلی ایران، مانند دیگر کشورها، ثبت می‌شد و جزییاتی درباره تاریخچه، بافنده و تنوع طرح‌ونقش و تکنیک بافت‌شان فراهم می‌آمد. البته این خود زمینه تحقیقی است که باید به‌طور مطمئن، به‌واسطه محققین بومی، دنبال شود و خوشبختانه این مهم از یک‌دهه قبل به‌واسطه تلاش‌ها و پیگیری‌های مستمر آقای عقیل سیستانی، دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تهران، به‌طور دقیق مورد تحقیق و تفحص قرار گرفته و اهمیت هنر بافندگی و صنایع دستی مناطق مذکور را به‌خوبی پیش چشم مخاطبان ترسیم کرده است.

امید است که با چاپ و انتشار این مجموعه امکان دستیابی سهل علاقه‌مندان به هنر گلیم‌بافی و قالی‌بافی مناطق بردسیر و شهرابابک فراهم آید. اگرچه برای احیا، رونق و معرفی هنر بافندگی استان کرمان و مناطق مذکور نیاز به تحقیق گسترده این‌چنینی درباره طرح‌ونقش، تکنیک و ویژگی‌های هنری و فنی و سوابق تاریخی ضرورت دارد.

غلامرضا فرخی

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان

از گذشته تاکنون، در فراسوی مرزهای کشورهای شورمان، هرگاه سخن از هنر ایرانی به میان آمده، نام هنر ارزشمند قالی‌بافی یا بافندگی در ذهن و بر تارک هنرها، نقش بسته است - البته این بدان معنا نیست که دیگرهنرهای سنتی و صنایع دستی، همانند تزئینات معماری و بناهای تاریخی، سفال و سرامیک، نساجی سنتی، رودوزی‌های سنتی، صنایع دستی فلزی و ... از ارزش و اعتبار جهانی برخوردار نیستند؛ به این دلیل که قالی و گلیم یا به‌طورکلی دستبافته ایران و همچنین استان کرمان، در عین تنوع و زیبایی، نمادی از آداب، رسوم و فرهنگ ایرانی است؛ گرچه درابتدا جنبه خودمصرفی داشته، ولی به‌مرور، جنبه تجاری بیشتری نسبت به دیگرهنرها پیدا کرده و قابل عرضه بوده است. درواقع، بعد از یک‌دهه تحقیق بر روی دستبافته شهری، عشایری و روستایی استان کرمان، باید گفت؛ والاترین هنر این استان، بافندگی است و کرمان، خالق زیباترین دستبافته‌ها به شمار می‌رود.

هنر بافندگی در نقاط مختلف، از ویژگی‌های گوناگونی برخوردار است؛ بالطبع دستبافته کرمان، نفیس‌ترین، زیباترین و متنوع‌ترین دستبافته ایران و جهان به شمار می‌رود. این جمله شاید قدری اغراق‌آمیز به نظر برسد؛ درعین‌حال، بسیاری از نویسندگان آن را نوشته‌اند و اغلب تجار و خبرگان فرش، به آن باور دارند. با مطالعه اسناد و مدارک صادرات قالی و دستبافته استان کرمان در دهه‌های گذشته، به این نتیجه رسیده‌ام که بخشی از دستبافته صادرشده در سده اخیر، قالی و دیگر دستبافته عشایری و روستایی بوده‌اند (قالی/ دستبافته استان کرمان به سه نوع شهری، روستایی و عشایری بافت تقسیم می‌شود).

استان کرمان، به لحاظ تولید دستبافته، به سه منطقه عشایرنشین/ ایلیاتی‌نشین (ایلیاتی‌باف) و روستایی‌نشین - شامل مناطق سیرجان، بافت، آرزوئی، رابُر، بردسیر، شهربابک، جیرفت، عنبرآباد، کهنوج، منوجان، قلعه‌گنج، فاریاب و رودبارجنوب - و شهری‌نشین (شهری‌باف) - شامل مناطق راور، ماهان، کوهبنان، زرنند، رفسنجان، جوپار، گلباف و خود شهر کرمان و مناطق تحت پوشش - تقسیم می‌شود، که در مجموعه کتاب حاضر، هدف ما صرفاً معرفی دستبافته مناطق عشایرنشین و روستائینشین است.

براساس سرشماری ۱۳۶۶؛ استان کرمان دارای بیست‌وهشت ایل در ییلاق و قشلاق و چهل‌ودو طایفه مستقل در ییلاق و چهل طایفه مستقل در قشلاق بوده؛ و براساس سرشماری سال ۱۳۷۷؛ با سی‌ویک ایل در ییلاق و قشلاق و پنجاه‌وهشت طایفه مستقل در ییلاق و پنجاه‌وپنج طایفه مستقل در قشلاق^[۱] بیشترین ایل و طایفه را در کشور دارد. استان کرمان بعد از استان فارس، دومین منطقه‌ای است که بیشترین جمعیت عشایری را در خود جا داده.^[۲] استان کرمان، پهنه جغرافیایی، اقلیم گسترده و عظیمی دارد که آن را به یکی از پهناورترین و بزرگ‌ترین استان‌های کشور تبدیل کرده است.

درابتدا، لازم است که درباره دستبافته‌های استان کرمان - گلیمینه/ تخت‌باف و فرشینه/ پرزباف - مختصر شرحی بدهم. بافندگی - گلیمینه و فرشینه - از قدیم‌الایام نزد ایلات و طوایف بومی این اقلیم وجود داشته - برای خلق ملزومات زندگی - و فنون آن سینه‌به‌سینه به نسل بعدی منتقل شده است. اگرچه تعیین تاریخچه دقیق بافندگی در این منطقه، به دلیل عدم وجود فرش رقم‌دار و قدیمی، حتی در یافته‌های باستان‌شناسان - به دلیل ضایع شدن پشم در گذر زمان - غیرممکن به نظر می‌رسد، اما مُسَلِّم است که ارتباط مستقیمی بین زندگی شبانی و گله‌داری با بافندگی وجود داشته. تاریخچه دقیق زندگی شبانی در منطقه کرمان (مناطق عشایری) نامشخص؛ ولی محرز است که با ورود عرب‌ها (در اوایل ورود اسلام به خاک ایران)، ترک‌ها (در دوره سلجوقی)، لُر‌ها (در دوره تیموری)، افشارها (در دوره‌های صفوی

و افشار) و دیگر ایلات مهاجر (در دوره‌های زند و قاجار) در آنجا، بافندگی تشدید شده و قبل از آن، بدون شک بافندگی در بین طوایف بومی این منطقه، وجود داشته است. بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی در تل ابلیس بردسیر، سابقه بافندگی در آن منطقه را به هزاره پنجم قبل از میلاد می‌توان نسبت داد.

باین تفاسیر، استان کرمان، یکی از غنی‌ترین مناطق، به لحاظ تعدد قوم - ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب، فارس و ... بوده است که در دوره‌های متوالی، به دلایل مختلفی، به این منطقه کوچ کرده یا کوچ داده شده‌اند. تعدد قوم، یکی از ویژگی‌های بالقوه این منطقه است؛ به همین دلیل، برخی از طرح‌ها و نقوش و تکنیک‌های به‌کاررفته در دستبافته عشایری و روستایی این منطقه با دستبافته‌های آذربایجان، خراسان، سیستان و بلوچستان، لرستان، فارس و ... مشابهت‌هایی دارد. گسترش و تداوم بافت و تنوع قوم بافنده، موجب به‌وجود آمدن تنوع طرح، نقش، رنگ و تکنیک در دستبافته شده و به‌مرور این روند تغییر و در سده اخیر، تبدیل به منبع کسب درآمد شده است.

در ادامه، باید به دو نکته اشاره کنم؛ یکی، در مناطق عشایری و روستانشین ایلیاتی باف استان کرمان، ایلات و طوایف هرمنطقه، آداب، رسوم و فرهنگ خاصی دارند که با هم متفاوت است؛ هر کدام دستبافته‌ای دارند برگرفته از همین تنوع آداب، فرهنگ، اقلیم و هویت. اگرچه باید اذعان کنم که؛ امروزه دیگر فرش‌بافی در این منطقه مانند گذشته صورت نمی‌گیرد؛ از اوایل انقلاب، به‌مرور بافت گلیم و گلیم‌فرش، جایگزین فرش‌بافی در بعضی از مناطق شده و در برخی از موارد، کار بافندگی کمرنگ شده است؛ دیگری، به‌مرور، با اسکان دائمی عشایر استان، این کار باعث شده، بسیاری از ملزومات جابه‌جایی بیلاق و قشلاق عشایر، کمتر تولید و به تدریج کمرنگ و در نهایت، کنار گذاشته شوند! از طرفی، یکجانشین شدن و گسترش جنبه اقتصادی و تجاری شدن دستبافته، باعث شده، نقوش از حالت بکر و انحصاری گذشته درآیند و به‌نوعی تعداد متنوعی طرح و نقش در ایلات مختلف بافته شوند (ایجاد این نقوش و طرح‌ها روی دستبافته در گذشته متناسب با سنت هر ایل و به‌صورت فی‌البداهه و ذهنی باف بود و هرمنطقه و ایلی نقوش خودش را می‌بافت؛ بافنده هر ایل، گزینش و نوع رنگ‌بندی‌اش بر مبنای ذوق و علاقه شخصی بود و نقوش انتخابی‌اش متناسب با نوع بافت، حالت هندسی و تجریدی بوده است. ولی در سده اخیر، برخی از همین طرح و نقش، تا حدودی منحنی و طبیعت‌گرایانه شده‌اند).

همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، تنوع قوم مختلف و استمرار فرش‌بافی و کوچ‌نشینی، باعث تنوع نقوش و تکنیک در این منطقه شده است. از طرفی، همین عامل باعث شده که استان کرمان، بین دیگر مناطق، غنی‌ترین تنوع دستبافته داری را از آن خود کند. اگرچه تاکنون این نوع دستبافته، آن‌چنان که شایسته و سزاوارش بوده، معرفی نشده و پژوهش ژرفی درباره ویژگی - نام و فلسفه طرح و نقش، سیر تنوع و تغییر و باور مردم و مهم‌ترین آن، یعنی هویت ایلات بافنده - و تنوع آن صورت نگرفته است.

پرداختن به دستبافته و روند شکل‌گیری آن، بدون در نظر گرفتن ایلات و طوایف - بافندگان - این منطقه، کاری بی‌اساس و بی‌هویت است؛ در نتیجه (از آنجایی که موضوع این کتاب صرفاً روایت تاریخ نیست)، سعی شد، مدخل قابل‌قبولی در این رابطه با ایلات همین منطقه پژوهش گردد؛ اگرچه درباره تاریخچه، منشأ و تیره و طایفه هر یک اختلاف نظر زیادی وجود دارد. از طرفی، تشخیص تیره یا طایفه یا ایل بافنده دستبافته، کاری سخت و زمان‌بر و طاقت‌فرساست. برای همین، عمده‌زمان چنین پژوهشی صرف شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات طرح و نقش و نمونه دستبافته هر ایل و طایفه بافنده مناطق مختلف این استان شد، که در کتاب حاضر، بخشی از همین اطلاعات ارزشمند منتشر می‌شود.

تنها نکته ظریف باقی‌مانده، این است که؛ اغلب دستبافته استان کرمان را، به‌واسطه تعدادی از بافندگان ایلات و طوایف غیرافشار - افشاری و غیرافشاری - به ایل افشار نسبت می‌دهند! این درست است که غنای طرح، نقش، خلاقیت و کیفیت بالای فرش بافته شده ایل افشار از دیگر ایلات استان کرمان، نمود

بیشتری دارد و باعث شده، کار ایشان شناخته شده‌تر و مشهورتر از دیگر ایلات - در داخل و خارج از کشور - گردد؛ ولی افشاری خواندن کلیه دستبافته عشایری این استان را اشتباه و بی‌انصافی در حق ایلات و طوایف دیگر باید دانست. شاید این تفکر غلط - افشاری خواندن کلیه دستبافته این خطه - نشأت گرفته از کمبود اطلاعات و بی‌توجهی و عدم شناخت دیگر ایلات و طوایف بافنده و دستبافته‌شان باشد؛ به طوری که گاهی تعدادی از دستبافته دیگر ایلات و طوایف استان را - که در این مجموعه کتاب، هرمنطقه تفکیک و معرفی شده - در رده کیفی و غنای طرح و نقش طوایف ایل افشار باید قرار داد. اگرچه بی‌انصافی است که به دلیل عدم شناخت و کمبود اطلاعات و سختی کار و زمان بردن، تحقیق خاص و جامعی روی ایلات و دستبافته عشایر استان کرمان، صورت نگرفته است و همه را افشاری خوانده‌اند.

در همین رابطه، سیسیل ادواردز نوشته است؛ «قالیچه‌های عشایری و روستایی را نمی‌توان از یکدیگر باز شناخت؛ هر دو نوع را می‌خرند و در بازارهای کرمان به فروش می‌رسانند و سپس به عنوان قالیچه‌های افشاری به کشورهای مغرب‌زمین حمل می‌کنند. و من [س.ا] نیز برای این فراورده همین نام را برگزیده‌ام» (ادواردز، ۱۳۶۲، ۲۴۳).

پرویز تناولی در توضیح همین مسأله آورده است؛ «پیچیده‌ترین مسأله در این بخش از کتاب [افشار؛ دستبافته ایلات جنوب شرقی ایران]، تلاش برای پیدا کردن معیار و محک برای تشخیص فرش افشاری از غیرافشاری است؛ و این امر کار آسانی نیست. درهم آمیختگی فرش افشار و غیرافشار مدت‌هاست که ذهن فرش‌شناسان را به خود مشغول داشته و معدود کسانی را در این زمینه به تحقیق و چاره‌اندیشی واداشته است. یکی از این افراد، ادواردز است که پنجاه‌واندی سال پیش در کرمان بوده و اطلاعات باارزشی از فرش آن منطقه به جا گذاشته است. ادواردز، پس از بررسی فرش کرمان، تشخیص فرش افشار از غیرافشار را امری مشکل یافت و چون راه به جایی نبرد، پیشنهاد کرد - مطابق معمول - فرش افشار و غیرافشار، همه افشاری نامیده شوند [Edwardes, 1953, 213]. در عوض، هاسگو (Housego)، که در دهه ۱۹۷۰ در ایران بود، با مشاهده این درهم آمیختگی توصیه کرد؛ تا زمانی که اطلاعات بیشتری در تشخیص فرش افشار از غیرافشار در دست نیست، از واژه عمومی منطقه کرمان استفاده شود [Housego, 1978, 17]» (تناولی، ۱۳۸۹، ۲۷). پرویز تناولی در کتاب نان و نمک نوشته است؛ «کار بررسی و شناسایی دستبافته‌های عشایر کرمان در حال حاضر اگر دیر نشده باشد، اما بسیار مشکل و پیچیده شده است» (همان، ۱۳۷۰، ۲۲).

البته یکی از مهم‌ترین راه‌های شناسایی دستبافته اقوام مختلف استان کرمان، از جمله مناطق مورد پژوهش در این مجلد، مانند بردسیر و شهرابابک طرح و نقش و تم رنگ‌بندی است، که درباره آنها، در مبحث مربوط به هرمنطقه و ایل، براساس نتایج تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای یک‌دهه‌ای، به تفصیل نوشته شده. فقط در این باره باید اضافه کنم که؛ طرح‌ها و نقوش عشایری و روستایی این منطقه، بیشتر شکل‌پردازی از چیزهایی بوده که در اطراف و محیط‌شان وجود داشته است. اگرچه به سادگی نمی‌توان پذیرفت که - حتی در دوران گذشته - نقشی به یکباره، با توجه به ذهنیت بافنده، بر دستبافته ایجاد شده باشد. مُسَلَّم است که نقوش، در گذر زمان، از ساده به پیچیده، یک روند رو به تکاملی را - تاکنون - طی کرده‌اند. از طرفی، این نشان از قدمت چند هزار ساله چنین طرح‌ها و نقوشی دارد و کماکان همین روند، در صورت استمرار بافندگی، ادامه خواهد داشت.

براساس تحقیق صورت گرفته، بسیاری از نقوش مذکور در این کتاب در بین ایلات و مناطق مختلف - به‌مرور - فراگیر شده‌اند و بافندگان هراقلیم، براساس ذهنیت، دیدگاه، پیشینه و اعتقادشان، آنها را به نام‌های مختلفی خوانده‌اند. بنابراین، در این مجموعه سعی شده، متداول‌ترین نام در شناسنامه نوشته شود (برای کسب اطلاعات بیشتر، درباره طرح، نقش و سیر تغییر و تفسیرشان به مدخلی به همین نام

در کتاب دایرةالمعارف دستبافته عشایری و روستایی و کتاب دایرةالمعارف گلیم سیرجان - جلد چهارم و پنجم مجموعه از همین نویسندگان - مراجعه کنید).

با علم به این که پژوهش و تحقیق درباره دستبافته ایلات و طوایف بافنده استان کرمان، نیاز به تحقیق میدانی و حضور بین بافندگان و عشایر در مناطق عشایری داشته و این حضور و تحقیق نیاز به صرف وقت، انرژی و هزینه دارد، تاکنون پژوهش جامع و درخوری روی دستبافته ایلات مناطق بردسیر و شهربابک - جدای از کتاب افشار؛ دستبافته ایلات جنوب شرقی ایران به قلم پرویز تناولی و طرح پژوهشی دستبافته‌های ایل افشار استان کرمان و دستبافته‌های داری منطقه آرزوئی به قلم معصومه ابوطالبی پاریزی و طرح پژوهشی تهیه و تدوین بانک اطلاعات نقوش فرش و گلیم استان کرمان به قلم عقیل سیستانی و کتاب فرش و صنایع دستی شهرستان بافت به قلم محسن شفیع‌بافتی و ساره شهابی و برخی پایان‌نامه‌های دانشگاهی، که رویکردی متفاوت از این مجموعه داشته‌اند - صورت نگرفته است.

طرح کتاب

تحقیق و تدوین کتاب حاضر این‌طور شکل گرفت که؛ نخست، به این باور رسیدم که، چنانچه فرش کرمان و درکل، ایران، مستندنگاری، ثبت و منتشر می‌شود، نه مسئولین و متولیان مربوطه نادیده‌اش می‌گرفتند و نه بیگانگان به این سادگی دست به کپی‌برداری و تقلید از آن می‌زدند؛ دوم، اهمیت چنین پژوهشی، با توجه به پتانسیل منطقه، جهت حفظ، ترویج، توسعه و ارتقای فرهنگ و سنت ارزشمند گذشته و ثبت و انتقال آن به آیندگان، لازم و جای خالی‌اش محسوس بود؛ سوم، وظیفه تحصیل، تحقیق و پژوهش و کار درحوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی - چهار سال تحصیل در مقطع کارشناسی صنایع دستی و دو سال و نیم تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد هنر اسلامی و دو سال خدمت در واحد حفظ و احیای معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان و ده سال تحقیق در زمینه هنرهای سنتی استان کرمان، به‌خصوص هنر بافندگی و تحصیل در دوره دکتری تخصصی رشته پژوهش هنر دانشگاه تهران - برآرم داشت، بعد از شناخت از وضعیت ممکن، تصمیم بگیرم، بدین طریق - چاپ کتاب - دینم را به این حوزه ادا نمایم.

درکل، باید اذعان کنم که؛ فرش کرمان، درعین‌حال که متنوع‌ترین فرش ایران و دنیاست، نادیده گرفته شده و تحقیق جامعی درباره آن صورت نگرفته است؛ تا جایی که برخی نمونه‌فرش عشایری کرمان، برای تجار و فرشندگان بومی و غیربومی شناخته شده نیست! این نقوش و طرح‌ها، به‌مرور، سینه‌به‌سینه، انتقال یافته و در این انتقال، بسیاری از باورها و اعتقادات و حتی اسامی فراموش شده یا تغییر کرده‌اند (در طی تحقیق میدانی، با مراجعه به تعدادی از بافندگان، متوجه شدم که برخی از چندوچون فلسفه این نقوش و طرح‌ها بی‌خبرند؛ و این نشان از همان فراموشی است که متأسفانه به فرش مختص نبوده و به دیگرحوزه‌ها نیز مربوط می‌شود. درنتیجه، این واقعیت تلخ را مُسجَل می‌نمایم که: مردم ایران هنوز به حفظ میراث‌شان بی‌توجهند).

درابتدا، حجم اصلی جلد اول و دوم بر پایه هزاروسیصد صفحه تنظیم شد، که به‌دلیل محدودیت مالی، مجبور شدم فشرده‌اش کنم و آن را در یک مجموعه دوجلدی با هفتصدوپنجاه صفحه، دوباره تنظیم نمایم؛ اگرچه برخی از تصاویر موجود ارزش آن را داشت که در یک‌صفحه - تمام‌قد - پیش چشم خواننده قرار گیرد. این مجموعه در گام نخست شامل هشت جلد می‌شود که جلد چهارم و پنجم آن مربوط به دستبافته عشایری و روستایی و دستبافته گلیم‌باف منطقه سیرجان است که سه جلد اول مجموعه، از سوی

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان به چاپ رسید که جلد دوم/ مجلد حاضر، شامل دستبافته عشایری و روستایی مناطق بردسیر و شهربابک است؛

جلد اول، شامل دستبافته عشایری و روستایی مناطق بافت، رابُر و اُرزوئیَه (رابُر و اُرزوئیَه در گذشته زیر نظر حوزه بافت بوده‌اند و در چنددهه اخیر - براساس تقسیمات کشوری - به شهرستان مستقلی تبدیل شده‌اند) می‌شود؛ که قبل از این کتاب در سال ۱۳۹۶، - از سوی انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان - چاپ شد؛

جلد سوم، شامل دستبافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان است؛ با تأکید بر قدیمی‌ترین و بهترین دستبافته عشایری و روستایی، که - از سوی انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان - در سال ۱۳۹۶ چاپ شده است (همان‌طور که پیشتر اشاره شد، دستبافته منطقه سیرجان دو مجلد جداگانه دارد، تحت عنوان دستبافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان و گلیم سیرجان جلد چهارم و پنجم مجموعه، به قلم مؤلف). همچنین، جلد ششم شامل دستبافته مناطق جیرفت، عنبرآباد، کهنوج، منوجان، فاریاب، قلعه‌گنج و رودبارجنوب است و جلد هفتم و هشتم مجموعه، مربوط به دستبافته شهری باف استان کرمان است که در آینده‌ای نزدیک چاپ می‌شوند.

عناوین جلد دوم، شامل دستبافته عشایری و روستایی مناطق بردسیر و شهربابک در دو فصل، به شرح زیر است:

فصل اول؛ منطقه بردسیر؛

بخش اول: وضعیت جغرافیایی و اقلیمی بردسیر؛

بخش دوم: معرفی طرح‌های رایج دستبافته به‌خصوص فرشینه ایلات و طوایف مستقل منطقه بردسیر، شامل: گلدانی، گلدانی استکانی، بارک‌الله، لمپایی/ چراغ‌توری، سماوری/ گل‌سماوری، پاشتری/ عیسی‌خانی، حشمت، ابری، بندی، سم‌گاو/ آچاری/ سم‌اسبی، بته‌عبایی، تَکِ پیک، سه‌کله، سه‌ترنج و ...؛

بخش سوم؛ معرفی دستبافته ایلات و طوایف مستقل بافنده مناطق بردسیر و شهربابک، شامل: خُرچین، جُل اسب، جلد قرآن/ جاقرآنی، دست‌دان، رکعت، آینه‌دان، توشه‌دان، مفرش، نمک‌دان، درفش‌دان، قاشق‌دان، چیق‌دان، جلک‌دان، توبره، جوال، خوره، کشک‌دان، سفره، تنگ، بشقاب، سفره‌آویز، تنگ/ نوار/ بند، جاجیم و ننی و ... (به‌جز گلیم زیرانداز و روباری - تعدادی از دستبافته گلیمینه این مناطق نیز در همین مجلد آورده شده - گلیمینه مناطق عشایری و روستایی استان کرمان، به قلم مؤلف در آینده نزدیک چاپ و منتشر می‌شود)؛

بخش چهارم؛ معرفی ایلات و طوایف مستقل بافنده منطقه بردسیر شامل: ایلات غُربا، ایل جبال‌بارزی، لَک بختیاری/ لَک، بلوچ، قرائی، لُری، پشتکوهی، مهنی، مهینی، بلوچ؛ و طوایف مستقل طایفه گودری؛ طایفه مستقل رائینی‌پور؛ طایفه‌های مستقل زاهدی و شاه‌حیدری؛ طایفه‌های مستقل ایمانی و عظیمی و ...؛

فصل دوم؛ منطقه شهربابک؛

بخش اول؛ وضعیت جغرافیایی و اقلیمی شهربابک؛

بخش دوم؛ معرفی طرح‌های رایج دستبافته به‌خصوص فرشینه منطقه شهربابک؛ شامل: لمپایی، ستاره‌ای، سماوری، جنگلی، درختی/ درختی جنگلی، سینی، طاووسی، زنبوری، گل‌چغندری، مکه‌ای و ...؛

بخش سوم؛ معرفی ایلات و طوایف مستقل بافنده منطقه شهربابک؛ شامل: ایل شکاری؛ طایفه مستقل قدرت‌الله رئیسی؛ طایفه مستقل کافی؛ طایفه مستقل سالاری؛ طایفه مستقل اصغری‌ها؛ طایفه مستقل محمدکاظم؛ طایفه مستقل منگلی و ...؛

بخش چهارم؛ مهمترین مناطق بافنده شهربابک و ...؛

از آنجایی که در این ده سال، تعداد عکس‌گزارشی گرفته‌شده در مناطق مختلف عشایری و روستایی در شهرستان‌های مختلف استان زیاد بود و آوردن تک‌تک‌شان در کتاب، میسر نبود، سعی کردم، مختصراً آنها

را در حد دو - سه گزارش تصویری بیاورم و مابقی را، که ارزش تاریخی و مردم‌شناسی و اقلیم‌شناسی دارد، در فرصتی مناسب، در مجلدی جداگانه با موضوعی همخوان، منتشر نمایم. امیدوارم توانسته باشم گامی هرچند کوتاه در حفظ و احیا و معرفی دستبافته داری استان کرمان و مناطق بردسیر و شهربابک بردارم. روند پژوهش - و چاپ نتایج - در زمینه هنرهای سنتی استان کرمان، به‌خصوص دستبافته عشایری و روستایی و شهری، کماکان ادامه دارد ...

عقیل سیستانی - دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تهران

فهرست

۱ سخن ناشر
۲ سخن ناشر
۳ دیباچه
۶ طرح کتاب
۱۰ فصل اول: منطقه بردسیر
۱۱ بخش اول: وضعیت جغرافیایی و اقلیمی بردسیر
۱۲ وجه تسمیه بردسیر
۱۳ موقعیت تاریخی بردسیر
۱۵ تقسیمات و تفکیک آبادی‌های بردسیر
۱۶ موقعیت فرش‌بافی / بافندگی منطقه بردسیر
۲۱ بخش دوم: معرفی طرح‌های رایج دستبافته به‌خصوص فرشینه منطقه بردسیر
۲۱ گلدانی
۲۴ گلدانی استکانی
۲۵ گلدانی جنگلی
۲۵ گلدانی سراسری / گلدانی بندی
۲۵ بارک‌الله
۲۷ لمپایی / چراغ‌توری
۲۸ سماوری / گل‌سماوری
۲۸ پاشتری / عیسی‌خانی
۳۰ ابری
۳۲ شترمرغ / مرغی
۳۲ حشمت / گل حشمت
۳۴ تصویری
۳۴ بندی
۳۵ بته‌عبایی
۳۵ بخیه
۳۶ سم‌گاو / آجاری / سم‌اسبی
۳۷ تک‌پیک
۳۸ موسی‌خانی
۳۸ طرح غلط
۳۹ جنگلی
۳۹ بته‌ای
۴۱ بته‌ای دندان‌دار
۴۱ ترنجی
۴۲ بته‌بزرگ / کلانچ
۴۲ تک‌ترنج
۴۳ ترنج منبری
۴۴ دوترنج
۴۴ برگ انجیری
۴۴ چتری

۴۴	سه‌ترنج
۴۵	پنج‌ترنج
۴۶	درختی
۴۸	کله‌ای / سه‌کله
۴۸	سه‌کله
۵۰	خشتی / گل‌خشت
۵۰	لنگری بالدار / بندی گلریز
۵۲	سینی
۵۲	راه‌راه / محرّمات / خطی
۵۴	ابروباد / ابروباد کف‌ساده
۵۶	بخش سوم: معرفی دستبافته ایلات و طوایف مستقل مناطق بردسیر و شهر بابک
۵۶	توشه‌دان
۵۷	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده توشه‌دان
۵۸	توبره
۶۰	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده توپره
۶۰	دست‌دان
۶۱	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده دست‌دان
۶۳	آینه‌دان
۶۴	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده آینه‌دان
۶۵	رکعت
۶۶	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده رکعت
۶۷	خُوره
۶۹	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُوره
۶۹	جوال / گاله
۷۱	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده جوال / گاله
۷۲	مُک‌دان
۷۵	درفش‌دان
۷۵	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده درفش‌دان
۷۶	کشک‌دان
۷۶	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده کشک‌دان
۷۸	جَلک‌دان، دکارت‌دان، قاشق‌دان، قلیان‌دان و چپق‌دان
۷۸	جَلک‌دان
۷۸	دکارت‌دان
۸۰	قاشق‌دان
۸۱	قلیان‌دان
۸۱	چپق‌دان
۸۲	خُرَجین
۸۶	خُرَجین آبکش
۸۷	خُرَجین خوشاله / مویی
۹۰	خُرَجین تزئینی
۹۰	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُرَجین تزئینی
۹۱	خُرَجین تَرک‌اسبی
۹۱	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُرَجین تَرک‌اسبی
۹۳	خُرَجین لُردی

۱۴۰	موقعیت فرش‌بافی طوایف مستقل زاهدی و شاه‌حیدری
۱۴۱	طوایف مستقل ایمانی و عظیمی
۱۴۱	موقعیت فرش‌بافی طوایف مستقل ایمانی و عظیمی
۱۴۱	ایل خواجوئی
۱۴۴	موقعیت فرش‌بافی ایل خواجوئی
۱۴۵	طایفه مستقل نوشادی
۱۴۶	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل نوشادی
۱۴۷	ایل افشار
۱۴۸	موقعیت فرش‌بافی ایل افشار
۱۴۹	طایفه مستقل سیدمنصوری
۱۴۹	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل سیدمنصوری
۱۵۱	طایفه مستقل سیستانی بدوئی
۱۵۲	موقعیت فرش‌بافی مستقل سیستانی بدوئی
۱۵۵	طایفه مستقل عرب بدوئی کوه‌پنجی
۱۵۷	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل عرب بدوئی کوه‌پنجی
۱۵۷	ایل سلیمانی
۱۵۷	ایل گُچمی و طایفه مستقل سرحدی - شهرستان بم
۱۵۸	ایل گُماچی سنجری
۱۵۹	موقعیت فرش‌بافی ایل گُماچی سنجری
۱۶۰	طایفه مستقل عسگر سیرجانی
۱۶۰	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل عسگر سیرجانی
۱۶۰	ایل لک بختیاری
۱۶۳	موقعیت فرش‌بافی ایل لک بختیاری
۱۶۳	ایل لُری
۱۶۴	موقعیت فرش‌بافی ایل لُری
۱۶۴	طایفه مستقل قُتلُو
۱۶۵	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل قُتلُو
۱۶۵	ایل آئینه‌ای
۱۶۷	موقعیت فرش‌بافی ایل آئینه‌ای
۱۶۷	طایفه مستقل امیری کوه‌پنجی
۱۶۷	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل امیری کوه‌پنجی
۱۶۹	فصل دوم: منطقه شهربابک
۱۷۰	بخش اول: وضعیت جغرافیایی و اقلیمی شهربابک
۱۷۰	وجه‌تسمیه شهربابک
۱۷۱	موقعیت تاریخی شهربابک
۱۷۳	تقسیمات و تفکیک آبادی‌های شهربابک
۱۷۴	موقعیت فرش‌بافی/ بافندگی منطقه شهربابک
۱۷۷	بخش دوم: معرفی طرح‌های رایج دستبافته به خصوص فرشینه ایلات و طوایف مستقل منطقه شهربابک
۱۷۷	لمپایی
۱۸۰	ستاره‌ای
۱۸۲	کتری/ بته‌کتری
۱۸۳	سماوری
۱۸۴	جنگلی

۱۸۶	درختی / درختی جنگلی
۱۹۰	سینی
۱۹۲	کبکی
۱۹۲	پروانه‌ای
۱۹۳	طاووسی
۱۹۹	زنبوری
۲۰۱	مکه‌ای
۲۰۷	گل‌پاریزی
۲۰۹	گل‌چغندری
۲۱۳	بته‌مهتابی
۲۱۴	خوشه‌انگوری / پهلوی
۲۱۵	گلدانی
۲۱۷	طرح گلدانی
۲۱۷	گلدانی ترنج‌دار
۲۱۷	گلدانی ترکیبی / تلفیقی
۲۱۸	گلدانی جانوری
۲۲۱	گلدانی سوزنی
۲۲۳	گلدانی سینه‌ریز
۲۲۴	گلدانی ظل‌السلطان
۲۲۷	گلدانی استکانی
۲۲۷	گلدانی حاج‌خاکی
۲۲۹	گلدانی جنگلی
۲۳۰	گلدانی بوته‌گلی / دسته‌گلی
۲۳۰	گلدانی خرچنگی
۲۳۱	سرمه‌ای باغی
۲۳۳	افشان
۲۳۵	تصویری
۲۳۵	بندی
۲۳۶	خشتی
۲۴۰	گل‌سرخ
۲۴۱	گل‌چیتی
۲۴۱	گل شاه‌عباسی
۲۴۲	موسی‌خانی
۲۴۳	غلط
۲۴۳	بته‌ای
۲۴۶	بته مادر و بچه
۲۴۸	بته دندان‌دار
۲۴۹	بته دوقلو
۲۴۹	بته سروی
۲۴۹	ترنجی / ترنج‌دار
۲۵۱	پنج‌ترنج
۲۵۳	ترنج لوزی
۲۵۵	ترنج لوزی لاله‌برزنگو
۲۵۶	ترنج بندی / ترنج لوزی

۲۵۶ سه کله
۲۶۲ ارگه‌ای / ارگهی
۲۶۵ راه‌راه / محرّمات / خطی
۲۶۵ سفره کف‌ساده
۲۶۶ بخش سوم: معرفی ایلات و طوایف مستقل بافنده منطقه شهربابک
۲۶۶ طایفه مستقل قدرت‌الله رئیسی
۲۶۶ طایفه مستقل کافی
۲۶۷ طایفه مستقل سالاری
۲۶۷ طایفه مستقل اصغری‌ها
۲۶۷ طایفه مستقل زکی‌خانی
۲۶۸ ایل شکاری
۲۶۸ طایفه مستقل محمدکاظم
۲۷۰ طایفه مستقل محمودی
۲۷۰ طایفه مستقل منگلی
۲۷۱ طایفه مستقل فتحی
۲۷۱ طایفه مستقل میمندی
۲۷۳ طایفه مستقل کریمیان
۲۷۳ بخش چهارم: مهم‌ترین مناطق بافنده شهربابک
۲۷۳ گهرت و برفه
۲۷۴ میمند
۲۷۴ بهنوئییه
۲۷۴ مسینان
۲۷۴ دهج
۲۷۴ خاتون‌آباد
۲۷۶ پی‌نوشت
۲۸۲ منابع و مآخذ